

مفاخر ملی

به مناسبت روز بزرگداشت

شمس تبریزی
عارفِ نامدارِ ناشناس!



اسماعیلی – محمد بن علی بن ملک داد تبریزی، مشهور به شمس تبریزی، عارف نامدار قرن هفتم هجری است؛ عارف نامداری که با وجود شهرت عالم‌گیرش که ناشی از اشعار پر سوز و گداز مولوی درباره اوست، چیز زیادی از روزگار و زندگانی او نمی‌دانیم. با این حال، تأثیری بر عالم نامدار و صاحب‌مقامی مانند جلال الدین محمد بلخی، نشان می‌دهد که شمس، واجد ویژگی‌هایی خاص بوده‌است. ظاهر از این عارف‌نامی، اثری در دسترس نیست و آن چه در باره‌ی وی می‌دانیم، اولاً، محدود به اشعار مولوی و ثانیاً، محصور به حکایات و روایاتی است که می‌گویند مریدان مولوی، هنگام اقامت شمس در قونیه، در باب احوالات وی به رشته تحریر در آورده و در قالب اثری با عنوان «مقالات شمس»، به یادگار گذاشته‌اند. از فحوای این آثار، چنین بر می‌آید که وی، در خانواده‌ای اهل ذوق و مهربان زاده شده، عزم اقامت دایمی در یک مکان رانداشته و به سیر آفاقی و انفسی، علاقه‌مند بوده، به زبان فارسی مهر می‌ورزیده و شخصیتی نافذ و نیرومند داشته‌است. قدر مسلم آن است که شهرت شمس، بیشتر به واسطه آشنایی و دیدار وی با مولوی بوده‌است. ظاهر این دیدار بر دل جلال الدین افکند؛ چنان‌که وقتی، به دلیل فشار مریدان مولوی که به مقام شمس، حسد برده و از وضعیت استاد و مراد خود نیز، بیمناک بودند، بی‌خبر قونیه را ترک کرد، فراق او، مولوی را به مرز بی‌خودی رساند و حاصل این شوریدگی، ۳۶ هزار و ۳۶۰ بیت شعری بود که در قالب غزل و به نام دیوان شمس سرود. به نظر می‌رسد که این علاقه، دو سویه بوده است و شمس نیز، محبت مولانا را به دل داشته؛ در «مقالات شمس» و از قول او می‌خوانیم: «سفر کردم آمدم و رنج‌ها به من رسید که اگر قونیه را پر ز گردندی به آن کرانگردی، ادا دوستی تو غالب بود… سفر دشوار می‌آید، اما اگر این بار رفته‌شود، چنان ممکن که آن بار کردی.» درباره عاقبت شمس نیز، اطلاعاتمان اندک است. هیچ منبعی به مقصد آخرین سفر وی از قونیه، اشاره‌ای ندارد؛ با این حال، فصیح خوافی، نویسنده «مجمل فصیحی»، نگاشته‌شده در سال ۸۴۵ه‍.ق، ضمن بیان احوال خوی، به آرامگاه شمس در این شهر اشاره می‌کند؛ آرامگاهی که هنوز در این شهر برپاست و نشان می‌دهد که احتمالاً خوی، آخرین مقصد شمس تبریزی بوده‌است. ظاهر این آرامگاه، بنایی مَعظم داشته که دست‌تَظوّر روزگار و بی‌مهری خلق، از آن تنها مناره‌ای باقی گذاشته‌است؛ مناره‌ای که همچنان در شهر خوی، چشم‌نوازی می‌کند و به یاد هر ایرانی می‌آورد که این ملک زرخیز، چه گوهرهایی را به جهان ارزانی کرده‌است.

گزارش

جوان‌های کوله‌به‌دوش در استخدام قاچاقچیان کتاب!

فروش کتاب‌های قاچاق با کوله‌پشتی، در اداره‌ها و سازمان‌ها، شگرد جدید قاچاقچیان کتاب برای عرضه کتاب‌هایی است که در انبارهای کشف‌نشده، تلنبار شده‌است. به گزارش ایبنا، در نگاه‌اول، فروش کتاب در اداره‌ها و انبارها، اقدام بسیار خوب و مثبتی به نظر می‌رسد، اما اشکال کار این است که رده‌ای کتاب‌های قاچاق در این کوله‌پشتی‌ها، بیشتر از کتاب‌های معمولی به چشم می‌خورد. می‌توان گفت، کوله‌پشتی‌های روی دوش فروشندگان جوان که کار توزیع و فروش کتاب‌ها را به عهده دارند، در واقع آخرین حلقه از زنجیر نامبارک نشر کتاب‌های قاچاق را تشکیل می‌دهد. بحث تولید و توزیع کتاب‌های قاچاق در یک سال گذشته، همواره یکی از دغدغه‌های اهالی نشر، اعم از ناشران، کتاب‌فروشان، موزعان و البته، مولفان و مترجمان بوده‌است و بر این اساس اقدام قضایی و حقوقی برای برخورد با این افراد، در سطح گسترده شکل گرفته که نتیجه آن، یا ک‌سازی نسبی بساط‌ها و کشف و توقیف انبارهای کتاب قاچاق در نقاط مختلف شهر تهران بوده‌است. حال، به‌نظر می‌رسد، سودجویان به‌سراغ بازارهای بکرو دست‌نخورده دیگری رفته‌اند؛ بازارهایی که تحت‌نظارت و مراقبت قضایی و انتظامی قرار ندارد. در شیوه جدید توزیع و فروش کتاب‌های قاچاق، معمولاً اداره‌ها و سازمان‌های بزرگ که کارمندان زیادی دارند، مورد توجه قرار می‌گیرند. از طرف دیگر، جوان‌هایی که برای این کار انتخاب می‌شوند، عموماً روابط عمومی بالایی دارند و از اطلاعات نسبتاً کافی درباره دنیای کتاب برخوردارند و با همین توانایی، می‌توانند مخاطبان‌شان را برای خرید کتاب ترغیب کنند.

اندیشه

درباره منظومه فکری و مشی عملی شهید هاشمی نژاد در سالروز شهادتش

الگوی مواجهه شجاعانه با شبهات روز

رودسری – شهید هاشمی نژاد را باید یکی از ارکان مدیریت و هدایت جریان انقلاب اسلامی در مشهد دانست؛ با این حال، ساحت تأثیرگذاری وی، فراتر از آن است که بتوان آن را در حصار وقایع منتهی به ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷، محصور کرد. نکته اساسی در زندگی شهید هاشمی نژاد که بیشتر اوقات مغفول می‌ماند، گستره فعالیت‌های مستمر وی در عرصه آگاهی بخشدین به نسل جوان، طی دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ در سراسر ایران است. در این دوره، تعداد روحانیونی که دغدغه مقابله با تهاجم فکری غرب را در میان جوانان داشته باشند و در همان حال، به دنبال راهکاری روزآمد برای حل این معضل بگردند، زیاد نبود؛ در واقع، بدون تعارف، باید گفت روحانیونی که اصلاً با مبنا و زیربنای اندیشه‌های غربی، اعم از مارکسیسم و لیبرالیسم آشنایی داشته باشند، در این بازه زمانی، انگشت‌شمار بودند و همین تعداد اندک نیز، مجال چندانی برای عرضه آن چه در چننه داشتند، پیدا نمی‌کردند. شهید هاشمی نژاد، از روحانیونی بود که توانست نسخه‌ای مؤثر برای نیازهای آن روز جوانان بیپچد و با همکاری تعدادی از همفکرانش، آن را در محل کانون بحث و انتقاد دینی مشهد، اجرایی کند. مدتی پس از آغاز فعالیت این کانون، جوانان تحصیل کرده و مشتاق مشهدی، به حضور در آن رغبت فراوانی نشان دادند. یکی از دلایل این علاقه، بحث درباره مباحثی بود که از یک طرف، مورد علاقه جوانان محسوب می‌شد و از طرف دیگر، بسیاری از روحانیون محافظه‌کار، ورود به آن را جایز نمی‌دانستند. شهید هاشمی نژاد با شجاعتی مثال‌زدنی و بدون اندکی تردید، به

جواد نوائیان رودسری – آیین معرفی کتاب



والمسلمین محمد باقر فرزانه با بیان خاطراتی از ایام حضور رهبر انقلاب در مشهد و آغاز فعالیت‌های تفسیری معظم‌له، گفت: در س تفسیر، با حضور سه نفر در مسجد صدیقی‌ها آغاز شد و بعداً در جاهای مختلفی مانند مسجد قبله ادامه یافت و سرانجام، در مدرسه میرزا جعفر برگزار شد. تعداد شرکت‌کنندگان در این جلسات، در مدرسه میرزا جعفر، به ۵۰۰ نفر بالغ می‌شد و این نشان‌دهنده بیان و دیدگاه‌های تفسیری رهبر معظم انقلاب در این جلسات بود. وی جلسات تفسیر رهبر انقلاب را، جلساتی معرفت‌افزا دانست که حتی زمانی که در مدرسه بسته بود، در ایوان‌های اماکن متبرکه ادامه می‌یافت و با وجود سرمای هوا، هیچ‌کس از شرکت در آن غفلت نمی‌کرد.

■ **این تفسیر، معرفت‌افزا است**

در بخشی از این مراسم، حجت‌الاسلام

۶۶

ساده‌سازی مفاهیم قرآن، از دیگر ویژگی‌های این تفسیر گرانقدر است؛ قدرت بیان رهبر انقلاب و تسلط کم‌نظیر ایشان بر فن خطابه و نیز، احاطه معظم‌له به بن‌مایه‌های ادبیات فارسی، این امکان را به وجود آورده‌است که مفاهیم قرآنی در قالبی ساده و همه‌فهم ارائه شود

بحث‌های مورد علاقه جوانان ورود می‌کرد و به پرسش‌های آن‌ها، پاسخ‌های مستدل و قابل قبول می‌داد. وی به خوبی از توانایی مخاطب‌شناسی و استادی‌اش در فن خطابه بهره‌می‌برد و آن را با دانسته‌های گسترده‌اش می‌آمیخت و خوراک فکری مورد نیاز جوانان را فراهم می‌کرد. نگاه شهید هاشمی نژاد به مخاطبان‌ش، نگاهی از بالا به پایین نبود؛ او می‌دانست که برای جذب جوانان امروز، فضای اندرز دادن و دعوت صرف کردن، دیگر جوابگو نیست و باید میان روحانیون و جوانان، رابطه‌ای دوستانه و مبتنی بر یک تعامل علمی و عملی دو طرفه شکل بگیرد. در واقع، جوانان و به ویژه جوانان تحصیل کرده، زمانی به حضور در جلسات طرح مباحث دینی رغبت نشان می‌دهند که شأن آن‌ها به عنوان مخاطب، حفظ شود و سخنران را، عامل به آن چه عرضه می‌کند، بیابند. شهید هاشمی نژاد، به این اصل مهم، در حداعلای آن، توجه می‌کرد و همین موضوع، باعث شد که جلسات کانون بحث و انتقاد دینی به مرکز مهمی برای تربیت جوانان پرشور انقلابی تبدیل شود؛ جوانانی که در روزهای پرشور و التهاب انقلاب اسلامی، وارد میدان شدند و اداره امور را به دست گرفتند. آثار مکتوب شهید هاشمی نژاد نیز، بر اساس همین نیاز و با همین رویکرد، به رشته تحریر درآمد؛ آثار می‌مانند: «درسی که حسین علیه‌السلام به انسان‌ها آموخت»، «پاسخ ما به مشکلات جوانان»، «راه سوم بین کمونیزم و سرمایه‌داری»، «مشکلات مذهبی روز» و «مسائل عصر ما». شهید هاشمی نژاد را باید از معلمان توانا و جوان‌گرای عصر خود الگوی نیکوی تبلیغ معارف اسلامی در عصر حاضر بدانیم.



آیت‌ا... محمدی‌ری‌شهری در آیین معرفی کتاب «تفسیر سوره برائت» تبیین کرد

۱۰ ویژگی سبک تفسیری آیت‌ا... خامنه‌ای در ۳۵ سالگی

۶۶

یک ویژگی این تفسیر، تفاوت ساختار و زیرساخت آن است؛ این تفسیر که ظاهر آریکردی ترویجی دارد و به مخاطبان عام، مفاهیم هدایتی قرآن را عرضه می‌کند، زیرساختی دقیق دارد که بر مخاطب عام پوشیده‌است و تنها اهل فن و استادان تفسیر می‌توانند آن را بشناسند

دوم تا پنجم را شامل تایپ متن به دست آمده، ویراستاری مختصر، کشف روش تفسیری در قالب ۸۰ نکته و انتشار آن و نیز، منبع‌یابی بیان کرد و افزود: در مرحله‌نهایی به این نتیجه رسیدیم که باید افزون بر اقدامات انجام گرفته، یک ویرایش نهایی نیز انجام‌موارد مشابه حذف و همچنین، منبع‌یابی متن، با دقت بیشتری تکمیل شود.

■ **۱۰ نکته درباره تفسیر**

آیت‌ا... محمد محمدی‌ری‌شهری، به عنوان سخنران اصلی مراسم معرفی کتاب تفسیر سوره برائت»، با بیان خاطراتی از دوران همکاری با رهبر انقلاب و به بیان ویژگی‌های شیوه تفسیری ایشان پرداخت و با توجه به کتاب انتشار یافته، این ویژگی‌ها را در ۱۰ مورد، دسته‌بندی کرد. عضو مجلس خبرگان رهبری گفت: بر جستگی‌ها و نکاتی که می‌توان درباره این تفسیر عرضه کرد، از این قرار است؛ ۱- این تفسیر، تفسیری بسیط است و این معنا، موجب کاربردی شدن آن می‌شود و دلیل استقبال از این تفسیر در دهه ۱۳۵۰ نیز، همین بوده‌است؛ ۲- تفسیر سوره برائت و دو سوره دیگر که ما آن‌ها را در اختیار نداریم، حاصل تدریس است و گرایش مفسر در آن، یعنی اهتمام به احیای مفاهیم اجتماعی و سیاسی قرآن، به صورت مستقیم عرضه شده‌است. از سوی دیگر، نفس تدریس کردن، محتاج نور علمی و مطالعات فراوان است؛ موضوعی که بر غنای اثر، بسی افزوده‌است؛ ۳- ساده‌سازی مفاهیم قرآن، از دیگر ویژگی‌های این تفسیر گرانقدر است؛ قدرت بیان رهبر انقلاب و تسلط کم‌نظیر ایشان بر فن خطابه و نیز، احاطه معظم‌له به بن‌مایه‌های

مشاوره حقوقی

خوانندگان محترم! در صفحه

۱۲ روزنامه خراسان، پاسخ‌گوی پرسش‌های حقوقی شما هستیم. شما می‌توانید پرسش‌های خود را در تمام زمینه‌های حقوقی، از طریق پیامک به شماره ۲۰۰۹۹۹ ارسال کنید. لطفاً در ابتدای متن پیامک حتماً کلمه **«حقوقی»** را قید فرمایید.

پرسش: منزلی را از خانمی رهن و اجاره کردم. در زمان تنظیم قرارداد، سند به نام ایشان بود و حالا شوهر این خانم که از او جدا شده، علیه‌وی، حکم خلع ید گرفته و سند به نام شوهر شده‌است و از ما خواسته‌اند که زودتر از موعد اتمام قرارداد، تخلیه کنیم. حکم قانون چیست؟

پاسخ: ماده ۴۹۸ قانون مدنی بیان می‌کند: «اگر عین مستاجر به دیگری منتقل شود اجاره به حال خود باقی است مگر این که موجر حق فسخ در صورت نقل را برای خود شرط کرده باشد.» به عبارت دیگر، اگر اجاره دهنده (موجر) قبل از پایان مدت قرارداد اجاره با شما، منزل مورد اجاره را به دیگری بفروشد، قرارداد شما کماکان و تا زمان پایان مدت قرارداد معتبر خواهد بود. ممکن است شخصی قصد فروش ملک خود را داشته باشد و برای این که ملک تا زمان فروش که معمولاً مدتی به طول می‌انجامد، بلااستفاده نماند، تصمیم بگیرد آن را اجاره دهد. در چنین حالتی، موجر می‌تواند در قرارداد اجاره شرط کند که در صورت فروش ملک، حق فسخ قرارداد اجاره را داشته باشد. اگر چنین شرطی در قرارداد نباشد، فروش ملک به حقوق مستاجر خللی وارد نمی‌کند. خریدار ملک (مالک جدید) در اصلاح قائم مقام موجر نامیده می‌شود و در مقابل شما همان حقوق و تکالیفی را خواهد داشت که قبلاً موجر داشته است؛ می‌تواند اجاره بهای ماهانه را دریافت کند و اگر مبلغی به عنوان رهن از مستاجر دریافت شده، موظف است برای تخلیه ملک، پس از پایان مدت قرارداد، مبلغ دریافت شده را به مستاجر برگرداند. ماده ۴ قانون روابط موجر و مستاجر مصوب سال ۱۳۷۶ مقرر می‌دارد: «در صورتی که موجر مبلغی به عنوان ودیعه یا تضمین یا قرض الحسنه و یا سند تعهدآور و مشابه آن از مستاجر دریافت کرده باشد، تخلیه و تحویل مورد اجاره به موجر موقوف به استرداد سند یا وجه مذکور به مستاجر و یا سپردن آن به دایره اجراست.» اگر کسی نسبت به ملک مورد اجاره ادعایی داشته باشد، مثلاً مدعی باشد که منزل مورد اجاره متعلق به او بوده و موجر حق اجاره دادن آن را به شما نداشته است، نمی‌تواند نسبت به مستاجری برای شما ایجاد مزاحمت کند. او برای احقاق حقوق مورد ادعایش باید به دادگاه مراجعه و علیه موجر و مستاجر (هر دو) اقامه دعوا کند. قانون‌گذار در ماده ۴۸۹ قانون مدنی مقرر کرده‌است که «اگر شخصی که مزاحمت می‌نماید مدعی حق نسبت به عین مستاجر یا منافع آن باشد، مزاحمت نمی‌تواند عین مزبور را از دست مستاجر انتزاع نماید مگر بعد از اثبات حق با طرفیت مالک و مستاجر هر دو.» به این ترتیب، قانون‌گذار ترتیبی پیش‌بینی کرده‌است که برای مستاجر فرصت دفاع وجود داشته باشد. حال اگر شخصی بدون رعایت این مقررات و بدون اطلاع نسبت به دادگاه مراجعه کرده و صرفاً موجر را طرف دعوای خود قرار داده باشد، در چنین حالتی اگر رأیی صادر شود که حقوق شما را نادیده بگیرد؛ مثلاً رأی رفع تصرف از ملک صادر شده باشد در حالی که شما حق دارید تا پایان مدت اجاره از ملک استفاده کنید، به عنوان محابن دعوا خالت نداشته‌اید، حکم مراجعه و دادخواست «اعتراض ثالث» ارائه کنید. به حکم ماده ۴۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی، «اگر در خصوص دعوایی رأیی صادر شود که به حقوق شخص ثالث خللی وارد آورد آن شخص یا نماینده‌او در دادرسی که منتهی به رأی شده‌است به عنوان محابن دعوا خالت نداشته باشد، می‌تواند نسبت به آن رأی اعتراض نماید.» البته اعتراض ثالث به خودی خود مانع اجرای حکم و رفع تصرف از ملک نیست. برای این منظور، باید با ارائه دلیل (اجاره‌نامه) هم‌زمان با ارائه دادخواست اعتراض ثالث از دادگاه درخواست کنید دستور توقف اجرای حکم را صادر کند. ماده ۴۲۴ هرگاه قانون بیان می‌کند: «اعتراض ثالث موجب تأخیر اجرای حکم قطعی نمی‌باشد. در مواردی که جبران ضرر و زیان ناشی از اجرای حکم ممکن نباشد، دادگاه رسیدگی‌کننده به اعتراض ثالث به درخواست معترض ثالث پس از اخذتأمین مناسب قرار تأخیر اجرای حکم را برای مدت معین صادر می‌کند.»